

شمه ای از فضائل حضرت زهرا

<?xml encoding="UTF-8">

ولادت فاطمه زهرا علیها السلام فاطمه زهرا علیها السلام بانوی دو سرا به هنگام ظهور اسلام و پس از بعثت پدرش پیامبر اکرم و در آن هنگام که قیام حیاتبخش اسلام بتازگی ظهور نموده و بر پایگاههای پیروزی گام می گذاشت، چشم به این جهان گشود.

فاطمه علیها السلام یادگاری از همسر عزیز محمد صلی الله علیه و آله و سلم خدیجه کبری است، نخستین زنی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با وی ازدواج کرد و نیز اولین زنی بود که در آغاز بعثت آن حضرت به وی ایمان آورد، و آیین خداییش را به جان خرید. خدیجه با مال سرشار خویش پایه های اسلام را استوار ساخت و با فداکاریش در راه تحقق ندای توحید و اسلام، از هیچ فداکاری دریغ نورزید. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر این فداکاری ارج نهاد و هیچ گاه او را از یاد نبرد.

به نقل مورخان شیعه فاطمه علیها السلام از چنین مادر بزرگواری سه و یا پنج سال بعد از بعثت پیامبر اکرم به دنیا آمد، اما اغلب مورخان اهل سنت ولادت آن بانوی دو سرا را پنج سال قبل از بعثت دانسته اند. به برخی از اقوال در این زمینه -از شیعه و اهل سنت- اشاره می کنیم:

1- مرحوم کلینی می نویسد: "فاطمه زهرا علیها السلام پنج سال پس از بعثت رسول خدا به دنیا آمد و 75 روز پس از رحلت آن حضرت در سن هیجده سالگی از دنیا رفت." (1)

2- ابن شهر آشوب چنین می نویسد: "فاطمه زهرا علیها السلام پنج سال بعد از بعثت در بیستم جمادی الثانی متولد گردید که مصادف با سه سال پس از وقوع معراج بود. حضرت هشت سال همراه پدر گرامیش در مکه زیست و سپس به مدینه مهاجرت کرد. عمر شریفش در زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفت، هجده سال و هفت ماه بود، و بعد از رحلت پدرش 72 یا 75 روز بیشتر زندگی نکرد." (2) طبری در کتاب "دلائل الامامه" (3)، مرحوم مجلسی در بحار الانوار (4)، علامه اربلی در کشف الغمه (5) قول فوق را در ولادت آن حضرت تایید کرده اند. روایاتی نیز در تایید این قول موجود است. به دلیل اختصار از نقل آنها خودداری می کنیم. قول دیگر که از علمای اهل سنت نقل شده چنین است: "ولادت فاطمه زهرا پنج سال قبل از بعثت پیامبر اسلام بوده است، زمانی که خانه کعبه را سیل خراب کرد و قریش کعبه را بنا می نهاد." (6)

علت این که میلاد فاطمه علیها السلام را قبل از بعثت نقل کرده اند و تاریخ ولادت را تغییر داده اند، به نظر می رسد به دو منظور بوده است: 1- فضایی که در ولادت فاطمه زهرا علیها السلام در روایات آمده است، خدشه دار کنند، 2- با نقل این تاریخ دروغین، می خواهند چنین جلوه دهند که فاطمه علیها السلام در سن هجده سالگی با علی ازدواج کرده است، و چنین نتیجه بگیرند که او دختری معمولی بوده و در خانه مانده بوده است و کسی برای ازدواج با او پیشقدم نمی شده است.

با تحریف تاریخ ولادت حضرت فاطمه علیها السلام، این هدف را دنبال می کنند که هم سیده زنان را خفیف کنند و هم علی علیه السلام را که در این ازدواج از شان و منزلتی برخوردار شده است، سبک شمارند و این فضیلت را نادیده انگارند.

اما با استناد به روایات صحیح و تاریخ، این قول که ولادت آن بانوی بزرگوار قبل از بعثت بوده، باطل و بدون دلیل است، بلکه ولادت فاطمه زهرا علیها السلام پس از بعثت بوده است و با تشریفات و مقدمات خاصی نطفه این در

گرانمایه منعقد شده و با حضور زنان بهشتی به دنیا آمده که بدان اشاره می‌کنیم.

انعقاد نطفه فاطمه علیها السلام از میوه بهشتی ابوبکر بغدادی به سند خود از عایشه نقل می‌کند که گفت: "به رسول خدا عرض کردم: ای رسول خدا چرا وقتی فاطمه علیها السلام به حضور شما می‌رسد، او را می‌بوسی و زیانت را در دهان او می‌گذاری... فرمود:

"نعم يا عائشه! اني لما اسري بي الى السماء ادخلني جبرئيل الجنة فناولني منها تفاحة فاكلتها فصارت نطفة في صلبی، فلما نزلت واقعت خديجة ففاطمة من تلك النطفة، و هي حوراء انسيه، كلما اشتقت الى الجنة قبلتها، آری ای عایشه! هنگامی که به معراج رفتم جبرئیل مرا به بهشت برد و از سیب بهشتی به من داد و من خوردم و همان سیب تبدیل به نطفه‌ای در صلب من شد و چون به زمین آمدم با خدیجه بودم که او فاطمه را حامله شد. فاطمه، حورای انسیه است. هر گاه مشتاق بهشت می‌شوم، دخترم فاطمه را می‌بوسم." (7)

علامه اخطب خوارزمی خبر فوق را با تفصیل بیشتر نقل می‌کند، و با این تفاوت که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: "میوه‌ای از میوه‌های بهشت خوردم... و هر وقت به بوی بهشت مشتاق می‌شوم، فاطمه را استشمام می‌کنم...." (8)

حاکم در مستدرک از سعد بن مالك نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

"اتاني جبرئيل بسفرجلة من الجنة فاكلتها ليلة اسرى بي فعلمت خديجة بفاطمة فكنت اذا اشتقت الى راحة الجنة شممت رقبة فاطمة، در آن شبی که به معراج برده شدم، جبرئیل يك گلابی از بهشت برایم آورد. آن را خوردم و خدیجه به فاطمه حامله شد، پس هر وقت مشتاق بوی بهشت می‌شوم، گردن فاطمه را می‌بویم." (9)

سخن گفتن فاطمه علیها السلام در رحم مادر شیخ صدوق در امالی به سند خود از مفضل بن عمر روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

"هنگامی که خدیجه با رسول خدا ازدواج کرد، زنان مکه از وی کناره‌گیری کرده و رفت و آمد خود را با او قطع نمودند. خدیجه از این جهت غمگین گردید، تا اینکه به فاطمه علیها السلام حامله شد. این نوزاد در رحم خدیجه سخن می‌گفت و خدیجه را دل‌داری می‌داد و خدیجه این مطلب را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پنهان می‌داشت، تا اینکه روزی حضرت وارد خانه شد و شنید که خدیجه با کسی سخن می‌گوید. پرسید: خدیجه با که سخن می‌گفتی؟ خدیجه پاسخ داد: جنینی که در شکم دارم با من سخن می‌گوید و همدم من است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای خدیجه! جبرئیل به من خبر می‌دهد که جنین در شکم تو دختر است و خدای تعالی نسل مرا از وی قرار می‌دهد و ائمه دین و پیشوایانی که خداوند پس از انقضای وحی، جانشینان خود در زمین قرار خواهد داد از نسل او هستند." (10)

چگونگی ولادت فاطمه علیها السلام هنگامی که وضع حمل فاطمه علیها السلام نزدیک شد، خدیجه کسی را به نزد زنان قریش فرستاد و از آنها خواست تا به خانه او آیند و هنگام ولادت فاطمه علیها السلام، او را یاری دهند. زنان برای خدیجه پیغام دادند که تو به سخن ما گوش نکردی و با یتیم ابوطالب - که مالی نداشت - ازدواج کردی ما نیز به کمک تو نخواهیم آمد.

خدیجه از این پیغام غمگین شد و در حال غم و اندوه بسر می‌برد که ناگاه چهار زن گندمگون بلند قامت - همچون زنان بنی‌هاشم - را مشاهده کرد که وارد خانه شدند. خدیجه از دیدن ایشان نگران شد. یکی از آن چهار زن به سخن آمد و گفت: "ای خدیجه! نترس و محزون مباش که پروردگار تو ما را فرستاده و ما خواهران تو هستیم. من ساره هستم، این يك آسیه دختر مزاحم (همسر فرعون) است که همدم تو در بهشت خواهد بود، و آن دیگر مریم دختر

عمران و چهارمی کلثوم خواهر موسی بن عمران است. خدای تعالی ما را فرستاد تا در وضع حمل تو را کمک دهیم. "آن گاه کمک کردند تا فاطمه علیها السلام به دنیا آمد. (11)

نامگذاری فاطمه علیها السلام یکی از مسائلی که در اسلام به آن اهمیت داده شده و حتی از حقوقی است که فرزند نسبت به پدر و مادر دارد، مساله انتخاب نام خوب برای فرزند است. برخی از خانواده‌ها در نامگذاری فرزندان خود دقت لازم را نمی‌کنند و به دلیل انتخاب نام نامناسب، فرزندان خود را در جامعه دچار مشکل می‌سازند، چه بسا انتخاب نام غیر مناسب گاهی موجب می‌شود فرزند مورد استهزاء و توهین هم ردیفان خود قرار گیرد، به علاوه نام مناسب حکایت از روشننگری خانواده و اعتقاد به آنچه در آن جامعه می‌گذرد، دارد. اگر با دقت در اسامی پیامبران الهی بنگریم می‌بینیم همه آن رهبران الهی از نامهای پر محتوا و با معنی و در ضمن مناسب با شخصیت خودشان برخوردار بوده‌اند، و بر همین اساس است که اسامی امامان ما برخوردار از معنی و محتوای مناسب است و از معانی زشت و مشمئز کننده به دور است. لذا ما معتقدیم نامهایی که رسول خدا برای دخترش حضرت فاطمه علیها السلام گذاشت، بی‌دلیل نبوده و از معانی بلند برخوردار است. به اختصار به توضیح برخی از اسامی آن بانوی بزرگ اسلام می‌پردازیم:

فاطمه طبق برخی از روایات، این نام از طرف خداوند انتخاب شده است: امام باقر علیه السلام می‌فرماید: "هنگامی که فاطمه علیها السلام متولد شد خدای تعالی به یکی از فرشتگان وحی فرمود به زمین برو و این نام را به زبان محمد بگذارد، و رسول خدا بدین ترتیب نام فاطمه را برای نوزاد تازه تولد یافته خود انتخاب کرد. سپس پروردگار عالمیان فرمود:

"اني فطمتك بالعلم و فطمتك من الطمث، ای فاطمه! من به وسیله علم شیر را از تو قطع کرده، (12) و از آلودگیهای زنانگی تو را پاکیزه کردم. "آن گاه امام باقر علیه السلام در ادامه فرمودند: "و الله لقد فطمها الله بالعلم و عن الطمث فی الميثاق، و الله، خدای تبارک و تعالی این بانو را با علم بسیار از شیر گرفت و در میثاق او را از ناپاکیهای زنانگی باز داشت. (13)

برخی از روایات که از طریق شیعه و اهل سنت به دست ما رسیده است علت این نامگذاری را چنین بیان داشته است: ابوبکر احمد بن علی شافعی به سند خود از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا فرمود: "ابنتي فاطمة حوراء آدمية لم تحض و لم تطمث و انما سماها فاطمة لان الله فطمها و محبها عن النار، دخترم فاطمه حورای انسیه است، حیض نشد و ناپاک نگردید و او فاطمه نامگذاری شد، زیرا خداوند او و دوستانش را از آتش جهنم منع کرده است. (14)

امام صادق علیه السلام از پدرانش از رسول خدا نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود: "ای علی! آیا می‌دانی چرا فاطمه به این اسم نامیده شد؟ علی علیه السلام عرض کرد: چرا ای پیامبر خدا؟ حضرت فرمود: لانها فطمت هی و شیعتها عن النار، چون او و شیعیانش از آتش باز داشته شده‌اند. (15) در تعبیر دیگری آمده است: "چون فاطمه علیها السلام از شر و بدی به دور است، این نام برای او انتخاب شده است. "امام صادق علیه السلام می‌فرماید: "آیا می‌دانید معنای فاطمه چیست؟" راوی پاسخ می‌دهد: خیر مولایم، مرا از تفسیر آن آگاه فرمایید. حضرت فرمود: "فطمت من الشر، یعنی شر و بدی در او راه ندارد. (16)

صدیقه از جمله اسامی حضرت فاطمه علیها السلام، صدیقه است. صدیقه مؤنث صدیق، صیغه مبالغه است، یعنی بسیار راستگو یا کسی که در راستگویی کامل است، یا کسی که قول و اعتقاد خود را تصدیق می‌کند، ولی آنچه از آیات و روایات استفاده می‌شود، این است که مرتبه صدیقین در ردیف مراتب انبیا و شهدا بوده و برای آنان درجه

خاص و مقام مخصوص خواهد بود: (و اذکر فی الکتاب ابراهیم انه کان صدیقا نبیا، (17) یاد کن در کتاب خدا احوال ابراهیم را که وی شخص بسیار راستگو و پیامبر بود) ، (و اذکر فی الکتاب ادريس انه کان صدیقا نبیا، (18) یادآور در کتاب خدا احوال ادريس را که او شخصی بسیار راستگو و پیامبر خدا است) ، (ما المسيح بن مریم الا رسول قد خلت من قبله الرسل و امه صدیقه، (19) مسیح پسر مریم پیامبر بیش نبود که پیش از او پیامبرانی آمده‌اند و مادرش هم زنی بسیار راستگو و صدیقه بود).

بنابراین نتیجه می‌گیریم که سیده زنان عالمیان فاطمه زهرا علیها السلام به مرتبه صدیقین رسیده است. و لذا رسول اکرم ایشان را صدیقه نامیده‌اند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمودند: "سه چیز به تو داده شده که به هیچ کس حتی به من داده نشد:

1- تو داماد کسی مانند رسول خدا هستی، و من داماد کسی نیستم که پدر زنم مانند پدر زن تو باشد.

2- همسری صدیقه، مانند دختر من به تو داده شد که من چنین همسری ندارم.

3- به تو فرزندی مانند حسن و حسین عنایت شده، در حالی که من فرزندی (پسر) مانند آنان ندارم ولی در عین حال تو از من هستی و من از تو." (20)

شاهد این مدعا این است که بنابر اعتقاد شیعه بدن صدیق و صدیقه را باید صدیق غسل دهد، لذا علی علیه

السلام بدن فاطمه علیها السلام را غسل داده است. مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند: "بدن فاطمه علیها السلام را امیر المؤمنین علیه السلام غسل داد...، تا جایی که فرمود: "فانها صدیقه و لم یکن یغسلها الا صدیق، اما علمت ان مریم لم یغسلها الا عیسی، زیرا فاطمه علیها السلام، صدیقه بود و صدیقه را غسل نمی‌دهد مگر صدیق، آیا ندانستی که مریم را غیر از عیسی، غسل نداده است؟" (21)

مبارکه مبارکه از ماده برکت است. راغب می‌نویسد: "جایی که خیر الهی به صورتی که قابل نگهداری و شمارش و اندازه‌گیری و محدود کردن نباشد و هر کس به آن بنگرد فزونی محسوسی در آن خیر می‌بیند، گویند در آن برکت است و مبارك است."

خداوند انواع برکات را به این بانوی بزرگ عطا فرموده و نسل رسول گرامش را در ایشان قرار داد و با این که بعد از شهادتش، دو پسر و دو دختر بیشتر از او نماند و در واقعه کربلا تمام فرزندان امام حسن علیه السلام و به نقلی تا هفت تن شهید شدند و از زینب کبری نیز دو فرزند شهید شدند و از امام حسین علیه السلام تنها امام سجاد علیه السلام باقی ماند، و ام کلثوم بدون فرزند از دنیا رفت، و پس از واقعه کربلا نیز حوادث بسیاری نسبت به کشتار فرزندان پاک رسول خدا و فاطمه زهرا علیها السلام و علی مرتضی علیه السلام واقع شد، با این همه خداوند در نسل فاطمه علیها السلام برکت قرار داد و به مصداق آیه: (انا اعطیناک الکوثر) منشا و منبع فرزندان بسیار شد که امروزه راحتی می‌توان صدق این مطلب را دریافت که فرزندان فاطمه علیها السلام که همان فرزندان رسول خدا هستند، در تمام نقاط جهان پراکنده‌اند، مطابق آماری که در دست است در ایران حدود سه میلیون سید و در عراق یک میلیون و در مصر پنج میلیون و در مغرب نزدیک به پنج میلیون و... از اولاد و نسل فاطمه علیها السلام به چشم می‌خورند. جمعیت‌سادات به سی و پنج میلیون نفر می‌رسد. (22)

طاهره از نامهای دیگر فاطمه زهرا علیها السلام "طاهره" است. علمای شیعه و بسیاری از علمای اهل سنت بر این عقیده‌اند که فاطمه علیها السلام مصداق آیه: (انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا) (23) است. در این باره روایت بسیاری موجود است در این جا فقط به ذکر یک حدیث اکتفا می‌کنیم (24).

از طرق اهل سنت از ام سلمه و عایشه، و ابی سعید خدری، و زید بن ارقم و ابن عباس و ضحاک بن مزاحم و ابی الحمراء و عمر بن ابی سلمه و غیر آنان چنین روایت شد است: "وقتی آیه تطهیر نازل گردید رسول خدا، علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام را طلب کرد و به وسیله عبا آنان را پوشانید و فرمود: به خداوند سوگند اینان اهل بیت من اند، خدایا پلیدی را از آنان دور کن و پاکشان گردان." (25) زهرا ریشه این نام از "زهرا" به معنای روشنی و صفا گرفته شده است. از امام صادق علیه السلام سؤال کردند چرا فاطمه علیها السلام را زهرا نامیدند؟ فرمود: "زیرا او در بهشت قبه ای از یاقوت سرخ خواهد بود که اهل بهشت آن قبه را به واسطه ارتفاع و عظمتی که دارد همانند ستاره ای درخشان که در آسمان است خواهند دید و به یکدیگر می گویند: "هذه الزهراء لفاطمة، این قبه نورانی از آن فاطمه است." (26)

نامهای دیگری که برای فاطمه علیها السلام ذکر شده عبارتند از: بتول، عذرا، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه، حورا، انسیه. کنیه های آن حضرت عبارت است از: ام الحسن، ام الحسین، ام المحسن، ام الائم، ام ابیها، ام المؤمنین. (27) به جهت رعایت اختصار از توضیح درباره این نامها و کنیه ها صرف نظر می کنیم و به فضایل آن حضرت می پردازیم.

گوشه ای از فضائل فاطمه علیها السلام فضائل بانوی بزرگ اسلام در این مختصر نمی گنجد، اما به طور اجمال و گذرا به آن می پردازیم:

علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه علیها السلام بدون تردید محبت و علاقه رسول خدا به فاطمه صلی الله علیه و آله و سلم بدون جهت و صرفا به دلیل علاقه پدر و فرزند نبوده است، زیرا حضرت فرزندان دختر دیگر هم داشته است و از طرفی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به مقتضای (و ما ینطق عن الهوی) بدون دلیل از کسی تعریف و مدح نمی کند. بنابراین معلوم می شود که این دردانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این مدت کوتاه عمر خود، از فضایل و کمالاتی برخوردار بوده که مورد توجه رسول خدا قرار گرفته است، تا رسول خدا آن تعبیر را درباره اش بیان نماید که درباره کس دیگر نفرموده است، مانند: "ان الله یرضی لرضاک و یغضب لغضبك، خداوند راضی می شود به رضای تو و غضبناک می شود به غضب تو." (28) "فاطمة بضعة مني فمن آذاها فقد آذاني، و من آذاني فقد آذی الله، فاطمه پاره تن من است پس هر کس او را اذیت کند مرا اذیت کرده و هر کس مرا اذیت کند، خدا را اذیت کرده است." (29) به نقل دیگری چنین فرموده است: "و هي قلبي الذي بین جنبي، فاطمه، جان و دل من است که در سینه ام قرار دارد." (30) و باز فرموده است:

"و هي نور عيني و ثمرة فؤادي، او نور چشم و میوه دل من است." (31)

فاطمه علیها السلام به اندازه ای مورد علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود که "ابن عمر" نقل می کند: "هر گاه رسول خدا قصد سفر می کرد با آخرین کسی که خدا حافظی می کرد فاطمه علیها السلام بود و به وقت بازگشت نخستین کسی را که به دیدارش می آمد فاطمه علیها السلام بود. (32) تا آنجا که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه علیها السلام می فرمود: "فداک ابي و امي، پدر و مادرم به فدای تو." (33) عایشه نقل می کند:

ما رایت احدا کان اشبه کلاما و حدیثا من فاطمة برسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و کانت اذا دخلت علیه

رحب بها و قام اليها فاخذ بيدها فقبلها و اجلسها في مجلسه، ندیدم کسی را از نظر کلام و سخن به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شبیه‌تر از فاطمه علیها السلام باشد و هر وقت فاطمه بر آن حضرت وارد می‌شد، به او مرحبا می‌گفت و در برابرش می‌ایستاد (و به طرفش می‌رفت) و دست او را می‌گرفت و می‌بوسید و او را در جای خودش می‌نشانید. (34)

عبادت فاطمه علیها السلام فاطمه علیها السلام از عابدترین و پارساترین زنان عالمیان است. او با همه گرفتاری و مشاغلی که در خانه داشت، با این حال از نظر به جا آوردن واجبات و مستحبات و عبادات فردی و اجتماعی در تاریخ نمونه است.

شیخ صدوق و دیگران از امام حسن علیه السلام روایت می‌کنند: "مادرم فاطمه را دیدم که در شب جمعه در محراب عبادت ایستاد و تا هنگامی که سپیده طلوع می‌کرد، پیوسته در حال رکوع و سجود بود و شنیدم پیوسته برای مردان و زنان با ایمان دعا می‌کرد و آنها را در دعا نام می‌برد، ولی برای خود دعا نمی‌کرد، من گفتم: یا اماه لم لا تدعین لنفسک کما تدعین لغيرک؟ فقالت: یا بنی الجار ثم الدار، مادر جان چرا همچنان که بر دیگران دعا می‌کنی، برای خود دعا نمی‌کنی؟ فرمود: پسر من اول همسایه بعد خانه. (35)

حسن بصری از بزرگان اهل سنت درباره عبادت فاطمه علیها السلام چنین گفته است: "ما کان فی هذه الامة اعبد من فاطمة، کانت تقوم حتی تورم قدماها، در میان این امت، عبادت کسی از فاطمه علیها السلام بیشتر نبود، زیرا آن قدر روی پاهای خود در مقام عبادت می‌ایستاد که پاهایش ورم می‌کرد. (36)

فاطمه، سیده زنان عالمیان تعبیر این که فاطمه علیها السلام سیده زنان عالمیان است از علمای شیعه و اهل سنت از رسول خدا نقل شده است. عایشه در روایتی، آن را چنین نقل می‌کند: "در حضور رسول خدا بودم - به هنگام بیماری منجر به رحلت حضرت - که فاطمه علیها السلام وارد شد و قدم می‌زد نگاه کردم مثل رسول خدا راه می‌رود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود: مرحبا به دخترم فاطمه. بعد او را نشانید طرف دست راست خودش یا طرف دست چپ، و چیزی محرمانه به گوش او گفت که فاطمه علیها السلام گریست! بعد چیز دیگری به او گفت. این بار فاطمه علیها السلام خندان شد. عایشه می‌گوید: "از فاطمه علیها السلام پرسیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چه گفت که گریان شدی و سپس چه فرمود که خندان گشتی؟

فاطمه علیها السلام گفت: "من سر پیامبر را تا زمانی که زنده است فاش نمی‌کنم. عایشه می‌گوید: "پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه علیها السلام گفتم: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به هنگام مرگ چه فرمود که گریستی و بعد چه گفت که خندیدی؟ فاطمه گفت: پدرم فرمود: هر سال جبرئیل قرآن را یک بار بر من عرضه می‌کرد، ولی امسال دوبار بر من عرضه کرد. گمان می‌کنم که مرگم فرا رسیده است، من برای مرگ پدرم گریستم، بعد فرمود: اما ترضین ان تكون سيدة نساء هذه الامة او نساء العالمین؟ قالت: فضحکت، آیا راضی نمی‌شوی که بهترین زنان این امت یا زنان عالمیان باشی؟ فاطمه گفت: پس خندیدم. (37) و نمونه این حدیث را بسیاری از علمای اهل سنت با اندکی تفاوت نقل کرده‌اند. (38)

عظمت فاطمه در قیامت در روایات بسیاری از ابن عباس، ابو ایوب و ابو هریره آمده است که رسول خدا فرمود: "اذا کان يوم القيامة وقف الخلائق بین یدی الله تعالی نادى مناد من وراء الحجاب: ایها الناس (یا معشر الخلائق) غضوا ابصارکم و نکسوا من رؤسکم فان فاطمة بنت محمد تجوز علی الصراط، روز قیامت که برپا می‌شود مردم در برابر قدرت خدای تعالی می‌ایستند. منادی حق، از پس پرده فریاد می‌زند: ای گروه مردم، دیدگان خود را ببندید، سرها را به زیر افکنید، زیرا فاطمه دختر محمد از صراط عبور می‌کند. (39) در برخی از احادیث دیگر آمده است: "فان

هذه فاطمه بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم تريد ان تمر على الصراط، فاطمه دختر رسول خدا می‌خواهد از محشر بگذرد." (40)

پی‌نوشتها: 1. کافی، ج 1، ص 458.

2. مناقب ابن شهر آشوب، ج 3، ص 357.

3. همان مدرک، ص 9.

4. همان مدرک، ص 9.

5. همان مدرک، ص 4.

6. ر.ک: احقاق الحق، ج 10، ص 11 به نقل از المختار فی مناقب الاخيار، ص 56، ذخائر العقبی، ص 26؛ الثغور

الباسمه، ص 15.

7. تاریخ بغداد، ج 5، ص 87، ر.ک: ینابیع الموده، ج 2، ص 24، بحار الانوار، ج 43، ص 4.

8. ر.ک: احقاق الحق، ج 10، ص 5.

9. مستدرک حاکم، ج 3، ص 169. برای آگاهی بیشتر در این باره ر.ک: احقاق الحق، ج 10، ص 12 به نقل از محاضرة

الاول، ص 88، میزان الاعتدال، ج 1، ص 38، مجمع الزوائد، ج 6، ص 202، لسان المیزان، ج 5، ص 97، ینابیع

الموده، ص 197، ارجح المطالب، ص 239، وسیلة المآل، ص 78.

10. بحار الانوار، ج 43، ص 2. روایت سخن گفتن فاطمه علیها السلام با مادرش را برخی از علمای اهل سنت نیز نقل

کرده‌اند. برای آگاهی بیشتر ر.ک: عبد الرحمان صفوری شافعی در "نزهة المجالس"، ج 2، ص 227، قندوزی حنفی

در "ینابیع الموده"، ص 198، حسن بن مولوی در "تجهیز الجیش" ص 99 (مخطوط)، شعیب ابو مدین بن سعد

مصری در "روض الفائق"، ص 214. برای توضیح بیشتر در زمینه روایاتی که علمای عامه نقل کرده‌اند، ر.ک: به احقاق

الحق، ج 10، ص 12.

11. بحار الانوار، ج 43، ص 3، ر.ک: ذخائر العقبی، ص 44، ینابیع الموده، ص 199، وسیلة المآل، ص 77 نزهة

المجالس، ج 2، ص 227، احقاق الحق، ج 10، ص 13. مظهر ولایت ص 232 سید اصغر ناظم زاده قمی

12. هر گاه بخواهند طفلی را از شیر بگیرند، به جای شیر به او غذا می‌دهند تا کم کم از شیر گرفته شود. خداوند

غذای جانشین شیر را برای فاطمه علیها السلام علم بیان می‌کند.

13. کافی، ج 1، ص 460، کشف الغمه، ج 2، ص 19، بحار الانوار، ج 43، ص 13.

14. احقاق الحق، ج 10، ص 16، به نقل از تاریخ بغداد، ج 13، ص 331.

15. مناقب ابن شهر آشوب، ج 3، ص 329، محب الدین طبری با مختصری تفاوت در ذخائر العقبی، ص 26، علامه

حلی و متقی هندی در کنز العمال، ج 3، ص 94، علامه حصرمی در رشفة الصادی، ص 47، مناوی شافعی در شرح

جامع الصغیر، ص 328، و بسیاری دیگر از علمای اهل سنت. برای مطالعه بیشتر ر.ک: احقاق الحق، ج 10، ص

17-24.

16. مناقب ابن شهر آشوب، ج 3، ص 330.

17. مریم (19) آیه 41.

18. همان، آیه 56.

19. مائده (5) آیه 75.

20. ر.ک: فاطمه زهرا من المهد الى اللحد (مترجم)، ص 73.

21. کافی، ج 1، ص 459، ر.ك: بحار الانوار، ج 43، ص 211 و 215.
22. ر.ك: فاطمة الزهراء من المهد الى اللحد (مترجم) ص 78.
23. احزاب (33) آیه 33.
24. روایات درباره آیه تطهیر در کتاب "علی علیه السلام در قرآن و سنت" اثر دیگر نگارنده خواهد آمد.
25. الدر المنثور، ج 5، ص 198، الاتقان فی علوم القرآن، ج 2، ص 1268، مستدرک حاکم، ج 3، ص 159-160.
26. بحار الانوار، ج 43، ص 16.
27. بیت الاحزان، ص 23.
28. ینابیع الموده، ج 1، ص 171، بحار الانوار، ج 43، ص 20.
29. مناقب ابن شهر آشوب، ج 3، ص 332 با اندکی تفاوت در عبارت، بحار الانوار، ج 43، ص 80، صحیح مسلم، ج 16، ص 2، مستدرک حاکم، ج 3، ص 173، حلیة الاولیاء، ج 2، ص 40.
30. 31. 9. بحار الانوار، ج 43، ص 80.
31. همان مدرک، ص 24.
32. مستدرک حاکم، ج 3، ص 169.
33. همان مدرک، ص 170.
34. همان مدرک، ص 167.
35. علل الشرایع، ج 1، ص 173، کشف الغمه، ج 2، ص 25.
36. مناقب شهر بن آشوب، ج 3، ص 341.
37. طبقات ابن سعد، ج 8، ص 26.
38. ر.ك: حلیة الاولیاء، ج 2، ص 39، برای اطلاع بیشتر ر.ك: احقاق الحق، ج 10، ص 27-115.
39. مناقب ابن شهر آشوب، ج 3، ص 326، بحار الانوار، ج 43، ص 52، راجع مستدرک حاکم، ج 3، ص 166، ینابیع الموده، ج 2، ص، الفصول المهمه، ص 147، برای اطلاع بیشتر ر.ك: احقاق الحق، ج 10، ص 148.
40. الفصول المهمه، ص 147.